

استقلال



خیلواکی

داکتر زمان ستانیزی

۲۲ می، ۲۰۲۵

دیانت جاهلانه



تصاویر رخشانۀ نامراد قبل از سنگسار و بعد از سنگسار

كُنْتُ كُزْرًا مَخْفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكِي أُعْرَفَ » خداوند از روی محبت انسان را آفرید» و لی بی خدایان جاهل به خاطر محبت جگر گوشه های مردم را سنگسار می کنند. ما هم بر این جاهلان که حتی حایز صفت حیوانی هم نیستند هزار لعنت و نفرین می فرستیم، ولی مسؤولیت ما فقط به همین کار تمام نمی شود.

خصلت عقب ماندگی ما افغانها است که اتهام را بر اعتراف ترجیح می دهیم. در اولین وحله ارتکاب عمل را به بی کفایتی حکومت، به طالبان، به اعراب... منتقل می سازیم. ولی این عمل جاهلانه را نباید جامه سیاسی پوشاند، بلکه آنها را باید در جامه سیاهی و ظلمت شان شناخت. طالب نامیدن آنها نتنها که با چهره های اینها در تضاد است (زیرا به استثنای یک دو تن همه سر لوچ و مردم با لباسهای محلی به نظر می رسند) بلکه طالب نام نهادن اینها گریز از واقعیت و انکار از جهالتی است که شامل حال همه ما است

در اینجا دین هم مطرح نیست چون داشتن دین و اعتقاد ایجاب انسانیت می کند. یعنی اول باید انسان بود تا بتوان دینی داشت. این کار از سطح حیوانی پائینتر است. حتی در سطح دیانت هم تنهای دینی که سنگسار را جایز می داند یهودیت دوران بربریت است ولی یهودان هم قرنهای پیش این عمل زشت را ترک کرده اند.

عالم نماهای جاهل دیگر می گویند که سنگسار در دوران حضرت رسول اکرم (ص) صورت گرفته بدون آن که کلمه را با قرینه تطابق دهند. در زمان حضرت رسول اکرم (ص) ساکنان مدینه و اطراف آن بر اساس تعهدات میثاق مدینه پابندی مشترک در امور مدنی داشتند ولی همزمان در امور مذهبی آزادیهای دینی هرگرو تضمین گردیده بود. بنای یهودیان در موارد مسایل دینی از اوامر تورات مراعت می کردند، نه از انجیل یا قرآن. یگانه روایتی که در مورد سنگسار در آن زمان صورت گرفته به اساس تورات بود که با وجود مخالفت شدید حضرت رسول اکرم (ص) صلاحیت او را در امور دینی یهودان تعهدات میثاق مدینه محدود ساخته بود. علت مخالفت او با آن رویداد به اساس قرآن است که در آن هیچ امری به اعمال چنین وحشت داده نشده. و هیچ عالمی در مورد بر روی آیات قرآن استناد کرده نمی تواند. بنای سنگسار در اسلام حرام است. یگانه مسأله مطرح در این معضله غم انگیز مردسالاری است. چون هرگز مردی به همین جرم سنگسار نگردیده، پس استنتاج می شود که زنهای متهم به این جرم باید حتماً با خود زنا کرده باشند که در آنصورت نه شهود و اثبات آن ممکن است و نه صدور حکم آن. استدلال غیر از این به همان نقیصه خری است که پایش در گِل بند مانده.

این جاهلان در آخر روز به خانه ها خود نزد مادران، خواهران، دختران، و همسران خویش بر می گردند ولی بدون وجدان آگاه و شعور متحرک انسانی. برای درک واقعیت و برای راه یابی و چاره سازی جهل را نباید جز جهل چیزی دیگر نامید. زیرا هزاران زن میهن ما، هزاران فرخنده ها و رخشانها در زیر شکنجه های چنین ظلمت و سیاه روزی تباه می شوند ولی ما جهالت، و ذهنیت خفه کن مردسالاری را انکار می کنیم و چنین اعمال ناشایسته را برای سهولت کار جامه سیاسی، آیدیولوژیک، یا هم فرقه ای و مذهبی می پوشانیم تا مگر خاطر ما آرام گردد. متأسفانه ما در آئینه وجدان خود نمی نگاریم تا درک کنیم که همه ما به خصوص مرد ها در این قصر و گناه شامل هستیم زیرا مسؤولیت اخلاقی و انسانی خود را فراموش می کنیم. در این مورد بی تفاوتی معادل بی مسؤولیتی است و بی مسؤولیتی بد اخلاقی است.

بزرگترین شجاعت اعتراف به جهالت خود است. تا زمانی که ما افغانها اتهام را بر اعتراف بر می گزینیم، این و آن را مسؤول می شماریم، نه خود را، تا زمانی که خود سر در گریبان فرو نمی بریم و سیاهی را که بر پرده وجدان جمعی همه ما افغانها سایه گسترده دور نمی کنیم و از راه اقدام جمعی به شمول اعلان تحریم سنگسار از طرف ستره محکمه افغانستان و تنفیذ قوانین با شدیدترین مجازات برای مرتکبین چنین جرم از طرف ولسی جرگه، و تعقیب و استفسار و استنطاق همه مجرمین شامل ارتکاب این شرمندگی از طرف حکومت، و همه افغانها تا زمان رسیدن به این هدف پیکار پیهم نمی کنیم مسؤولیت جمعی ما رفع و دفع نمی گردد. زیرا در بی تفاوتی همه ما شامل این جرم هستیم و بی تفاوتی در برابر چنین اعمال زرشت و کره که ما بر خود روا می داریم و بر خود رحم نمی کنیم، ما را واجد ترحیم خداوند نمی گرداند. «بالای آنهای که بر روی زمین اند رحم کنید تا خداوند آسمانها بالای شما رحم کند.» تا بر خود رحم نکرده ایم چگونه می توانیم به خداوند التماس کنیم که بر ما رحم کند.

پایان